

عوامل اجتماعی موثر بر همزیستی گروه‌های قومی در تالش

دکتر سعید معدنی^۱

رضا قربانی ریک^۲

چکیده:

این پژوهش با عنوان "عوامل اجتماعی موثر بر همزیستی گروه‌های قومی در تالش" به بررسی روابط اقوام موجود در جامعه تالش (منطقه ای قومی در شمال ایران)، پرداخته است. تعدد اقوام و کشمکش‌های مختلف قومی در طول تاریخ ایران نشان دهنده شرایط مستعد تنش‌ها و ایجاد مساله اجتماعی است. چگونگی همزیستی اقوام، از جمله، ترک، تالش، کرد، تات و گیلک با مذاهب مختلف اسلامی، در کنار یکدیگر با حداقل درگیری‌ها و ریشه‌های این همزیستی می‌تواند، منازعات قومی را به عنوان یک مساله اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کاهش دهد. این پژوهش با روش اسنادی و تکیه بر منابع مکتوب، مصاحبه عمیق، مشاهده مشارکتی و رهیافت تحلیلی در حوزه جامعه‌شناسی و استفاده از روش اکتشافی در تحلیل و توصیف اطلاعات و روش کمی جهت اثبات تجربی صورت

۱ عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز maadani25@yahoo.com

۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز gisom108@yahoo.com

گرفته است. پس از جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش، ترکیبی از نظریه های بسیج سیاسی وبر، مبادله، همبستگی دورکیم، همانند سازی، کنش متقابل نمادی و کثرتگرایی قومی در بررسی و تهیه مدل همزیستی اجتماعی در تالش، فراخوانی شده اند. پس از محقق شدن همزیستی گروهی، انتقال ویژگی های آن، با فراخوانی نظریه "کنش متقابل نمادی" قابل تحلیل است. هر چند پیشرفت های قابل ملاحظه ای در این زمینه حاصل شده، اما جهت رسیدن به حد مطلوب و ایده ال، راهکارهایی ارائه گردیده که امید است مورد توجه برنامه ریزان و مسئولان قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

۱- گروه قومی ۲- همزیستی ۳- جامعه چند قومی ۴- روابط گروهی ۵- کثرت گرایی

مقدمه

جامعه کنونی تالش از گروههای قومی مختلفی از جمله: تالش، ترک، کرد، تات و گیلک تشکیل شده است. این گروهها، همواره در شرایط و زمانهای مختلف در جوار یکدیگر بوده و با وجود اختلافات جزئی و تفاوتهای ریشه ای، سعی در همگرایی گروهی، جهت نیل به همزیستی داشته اند. در پژوهش حاضر در عین احترام به همه گروههای قومی، با برشماری موارد اختلاف این گروهها و بررسی زمینه های تاریخی- اجتماعی و محیط زندگی آنان مدلی جهت بهبود روابط متقابل و افزایش همگرایی و همزیستی ارائه شده است.

از یک سو تعدد اقوام و درگیری ها و کشمکش های مختلف قومی در طول تاریخ ایران نشان دهنده محیطی مستعد تنش های سیاسی و اجتماعی و ایجاد مساله ای اجتماعی است که نظم و امنیت شهروندان را به مخاطره انداخته، و از سوی دیگر، حساسیت و دامنه ارتباط اقوام با گروههای دیگر(ایرانی و غیر ایرانی)، منعکس کننده همگرایی و همبستگی گروهی و یا برعکس، کشمکش و تضاد بین قومی است، که هر دو جریان(همبستگی یا تضاد) در سرنوشت کشور تاثیر داشته و می

تواند آسیب‌های اجتماعی مختلفی را بواسطه عدم مشارکت در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی فراهم سازد و یا برعکس، به علت روابط مطلوب و مسالمت‌آمیز، همبستگی، همگرایی و مشارکت اجتماعی را ایجاد و تضمین نماید.

با توجه به مسائل گذشته و موجود، گذار از یک حالت کشمکش و تعارض به حالت تعادل و همزیستی متقابل تنها با ترسیم، تبیین و مطالعه علمی و همه‌جانبه، این مساله است، در غیر این صورت، اجرای هر برنامه‌ای ممکن است خسارت جبران‌ناپذیری بر روابط قومی و در نهایت بر امنیت ملی و منطقه‌ای وارد آورد. بنابراین، سعی بر آن است تا بتوان با پیدا کردن این عوامل، راهکارهایی ارائه نمود تا منازعات و درگیری‌های احتمالی قومی به عنوان یک مساله اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کاهش یابد. بنابراین ضرورت و اهمیت انجام پژوهش حاضر از دیدگاه‌های زیر قابل توجه است:

- الف: لزوم بررسی و شناخت علل و عوامل موثر بر ایجاد و تقویت همزیستی گروه‌های قومی در میان اقوام ایرانی، بخصوص اقوام ساکن در شهرستان تالش (تالش، ترک، فارس، گیلک، تات، کرد)
- ب: لزوم مطرح کردن قانونمندی‌هایی بر روابط و مناسبات اقوام ساکن در تالش
- ج: تدوین و طبقه‌بندی ریشه‌های اجتماعی موثر بر همزیستی گروه‌های قومی
- د: بررسی عوامل همزیستی گروه‌های قومی در میان اقوام ساکن در شهرستان تالش و تقویت این موارد

اهداف پژوهش فوق عبارتند از:

- الف: بررسی و مطالعه عوامل اجتماعی موثر بر همزیستی گروه‌های قومی در جامعه تالش (هدف اصلی)
- ب: مطالعه اجتماعی همزیستی فرهنگی قومیت‌ها برای رسیدن به برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی مشترک
- ج: ارائه راهکارهای مناسب برای افزایش تجانس و وفاق اجتماعی
- ابتدا سوالات پژوهش استخراج و سپس فرضیه‌های پژوهش برای اثبات تجربی یافته‌ها، به آزمون گذاشته شده‌اند. سوال اصلی پژوهش به دنبال یافتن عوامل اجتماعی موثر بر همزیستی گروه‌های قومی در جامعه تالش است. فرضیه‌ها بعد از مطالعات کیفی استخراج شده‌اند که شامل موارد زیر هستند:
- فرضیه اصلی: زمینه‌ها و عوامل اجتماعی بر همزیستی گروه‌های قومی مؤثر است.

فرضیه فرعی ۱: زمینه ها و تجربه های مشترک تاریخی بر همزیستی گروههای قومی مؤثر است.

فرضیه فرعی ۲: روابط مبادله اقتصادی، خویشاوندی و فرهنگی بر همزیستی گروههای قومی مؤثر است.

فرضیه فرعی ۳: تقسیم کار و نیاز به تخصص های مشترک فرهنگی و قومی بر همزیستی گروههای قومی مؤثر است.

فرضیه فرعی ۴: همسازی و پیروی اقوام از ویژگیهای گروه قومی دیگر بر همزیستی گروههای قومی مؤثر است.

فرضیه فرعی ۵: برخورد مردم سالارانه دولت با اقوام مختلف، رضایت مردم از نظام سیاسی و مشارکت در امور سیاسی کشور بر همزیستی گروههای قومی مؤثر است.

فرضیه فرعی ۶: اجتماعی شدن افراد در جامعه متکثر قومی بر همزیستی گروههای قومی مؤثر است.

متغیر وابسته در بخش مطالعات کمی این تحقیق "همزیستی گروههای قومی جامعه تالش" بوده و متغیرهای مستقل شامل، روابط مبادله، همبستگی بر اساس تخصص و تقسیم کار، همانند سازی و اجتماعی شدن هستند.

محققان بسیاری در موضوع روابط قومی و گروهی به تحقیق و پژوهش پرداخته اند اما هیچکدام به صورتی خاص به مطالعه "ریشه های همزیستی اجتماعی و گروهی" اشاره ننموده اند. در این بخش به برخی از تحقیقات انجام گرفته پیشین اشاره می گردد:

- حمید احمدی در کتاب «قومیت و قوم گرایی در ایران» شکل گیری دولت مدرن را در ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و روند و علل بوجود آورنده آن را توضیح می دهد. وی در این اثر برای روشن شدن مطلب نمونه هایی را در زمینه سیاسی شدن مذهب و زبان در سه منطقه کردستان، آذربایجان و بلوچستان را مورد بحث قرار می دهد (احمدی: ۱۳۷۸)

- کتاب «قومیت و قوم گرایی در ایران»: افسانه یا واقعیت؟، نوشته حمید احمدی در سال ۱۳۷۶ یکی از نخستین نوشته های منسجم در موضوع قومیت است. این کتاب بر موضوع قومیت و قوم گرایی در ایران تمرکز دارد. (کریمی، ۱۳۹۰: ۲۰).

- کتاب «تحولات قومی در ایران، علل و زمینه ها» نوشته مجتبی مقصودی در سال ۱۳۸۱ انتشارات موسسه مطالعات ملی رقی شومیز، یکی از دیگر نوشته های مهم در زمینه تنوع قومی در ایران

است. تمرکز بر ایران و عدم اهتمام کافی به بحرانهای قومی از ویژگی‌های این کتاب است (همان: ۲۰).

- احمدی در «قومیت و قوم‌گرایی در ایران»، افسانه و واقعیت، در یک بررسی بیشتر تاریخی با مطالعه سه قوم ایرانی کردها، بلوچ‌ها و آذری‌ها، در پی پاسخ به این سوال است که چرا اقوام فوق در ایران سیاسی شدند، که به نظر وی، سیاسی شدن آن‌ها متأثر از این عوامل است: اول، ظهور دولت‌های سکولار مدرن و مواجهه آن‌ها با روسای قبیله‌ای خود مختار سنتی، دوم، کنترل اختلافات مذهبی قومی و نقش نخبگان و سوم، عوامل خارجی (احمدی، ۱۳۸۳).
- از دیگر آثار در مورد تنوع قومی در ایران کتاب «مدیریت منازعات قومی در ایران و انسجام ملی و تنوع فرهنگی» نگاشته سید رضا صالحی امیری در سال ۱۳۸۵ است. نویسنده در کتاب نخست در سه بعد نظریه‌ها، مسائل و سیاستهای قومی، به موضوع پرداخته است (کریمی، ۱۳۹۰: ۲۰).
- مهمترین و کاملترین بررسی در منطقه تالش، کتاب آقای مارسل بازن تحت عنوان «تالش منطقه‌ای قومی در شمال ایران» می‌باشد. وی در این کتاب به بررسی ویژگیهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... در منطقه قومی تالش پرداخته است (بازن: ۱۳۶۷).
- کتاب «جامعه‌شناسی قومیت» اثر مالسویچ یکی از منابع مهم در زمینه جامعه‌شناسی قومیت است که با تکیه بر رویکردی جامعه‌شناختی درباره برخی از نظریه‌های مطرح در قومیت بحث و بررسی کرده است. نظریه‌های نئومارکسیسم، فونکسیونالیسم، کنش متقابل نمادی، انتخاب عقلانی، نظریه‌های زیستی اجتماعی، دیدگاه نئو وبری، ره‌یافتهای ضد جوهرگرا از اهم مباحث کتاب وی است (کریمی، ۱۳۹۰: ۱۶).
- پل براس نگارنده کتاب «قومیت و ناسیونالیسم، نظریه و مقایسه» از محققان پرآوازه قومی است. وی از مبدعان نظریه ابزارانگاری و اهمیت قائل شدن برای نقش نخبگان سیاسی در پویسهای قومی به شمار می‌رود. وی در کتاب خویش ابتدا به بحثی نظری و مقایسه‌ای می‌پردازد و ضمن مرور تحولات هویت قومی در طول تاریخ، به مطالعه موردی شوروی سابق و هندوستان از زاویه قومی می‌پردازد (همان: ۱۵).
- اثر تحقیقی دیگر به رابرت گار تعلق دارد که به همراه باربارا هاف با عنوان «منازعات قومی در سیاست جهانی» در سال ۲۰۰۴ به رشته تحریر درآمده است. این اثر در نهایت با عنایت به تاثیر عوامل و مولفه‌های داخلی بر این گونه مناقشات، ره‌یافتی ترکیبی برای مطالعه آنها می‌پذیرد (همان: ۱۸).

- یکی دیگر از پژوهندگان برجسته در زمینه قومیت آرنولد لیپهارت^۱ است. وی واضع نظریه دموکراسی انجمنی شناخته می شود. ریافت وی بیشتر سیاست گذارانه است و راه حلی مطرح می کند تا بین تکرر و تنوع قومی از یک سو و وحدت و انسجام ملی، دموکراسی، ثبات و سامان سیاسی و اجتماعی از سوی دیگر جمع کند (کریمی، ۱۳۹۰: ۲۰).
- پلوس^۲ مقاله ای با عنوان «هویت قومی مهاجرانی که از هند که به هنگ کنگ مهاجرت کرده اند» نگاشته است. به نظر پلوس، جهانی شدن هویت قومی را انعطاف پذیر می کند، زیرا فرآیند جهانی شدن نظرات مردم درباره خودشان را تغییر می دهد (پلوس: ۲۰۰۵).
- چارچوب نظری پژوهش: نظریه های زیر پس از انجام مصاحبه های عمیق، مطالعات اسنادی، مشاهده مشارکتی و انجام پرسشنامه فراخوانی شده و ترکیبی از نظریه های بسیج سیاسی وبر، مبادله، همبستگی دورکیم، همانند سازی، کنش متقابل نمادی و کثرتگرایی قومی در بررسی عوامل اجتماعی همزیستی گروههای قومی در تالش، مورد استفاده قرار گرفته است. از آنجا که بکارگیری صرف چند نظریه، انجام پژوهش علمی را محدود می نماید، بنابراین سعی در بکارگیری بخش های لازم و مفید از هر کدام از نظریه ها در این پژوهش، بوده است.
- نظریه بسیج وبر^۳: عامل همبستگی گروههای قومی در تالش بر اساس نظریه وبر قابل تامل و مطالعه است. وبر قومیت را بر حسب مفهوم فعالیت سیاسی پویا تعریف می کرد: « وجود جامعه سیاسی پیش شرط انجام کنش گروهی قومی است: تجربه سیاسی مشترک و نه اصل یا نیای مشترک، عامل اصلی پیدایش وجدان گروهی است» (برگرخته از کریمی، ۱۳۹۰). این امر در مورد گروههای قومی در تالش نیز مصداق دارد، این گروههای قومی به منطقه تالش احساس وابستگی دارند زیرا در خاطرات و تجربیات سیاسی مردم تالش شریک بوده و هستند و این امر می تواند یکی از عوامل همزیستی بین گروههای قومی ساکن در تالش محسوب شود.
- نظریه مبادله: از دیگر نظریه های مورد استفاده در تبیین روابط همزیستی بین گروههای قومی ساکن در تالش، نظریه مبادله پیتر بلاو (۲۰۰۲-۱۹۱۸) است. « بلاو، مبادله را یک جریان اجتماعی می داند، که ریشه در جریان های اولیه روان شناختی دارد؛ که بسیاری از پدیده های پیچیده از قبیل ساخت و سازمان اجتماعی از آن ایجاد شده است. تمایل اصلی بلاو در تبیین همه امور اجتماعی از دریچه مبادله است و همه رفتارها مانند مبادله تبیین می شود» (آزاد ارمکی، ۱۳۷۱: ۲۵۸). «افراد

1 Lijphart 1968

2 Caroline Pluss

3 Weber

هرگاه احساس کنند یک گروه پاداش بیشتری را از گروه دیگر برایشان دارد جذب آن گروه می‌شوند و به عبارتی عضو آن می‌گردند» (ریترز، جرج، ۴۳۶).

نظریه همبستگی ۱ دورکیم: انسجام، یگانگی و اتحاد مردم یک جامعه، اسباب حرکت آنها به سمت هدفهای مطلوب است و رشد جامعه را در پی دارد. «انسجام یا همبستگی اجتماعی معمولاً مفهومی را می‌رساند که برپایه آن درسطحی که گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته اند و به طور متقابل نیازمند یکدیگرند» (بیرو، ۱۳۶۷: ۴۰۰). «همبستگی ارگانیک نه از همانندی‌های افراد جامعه؛ بلکه از تفاوت‌هایشان پرورش می‌یابد. این‌گونه همبستگی فرآورده تقسیم کار است. هرچه کارکردهای یک جامعه تفاوت بیشتری یابند، تفاوت میان اعضای آن نیز فزون‌تر خواهد شد» (کوزر، ۱۳۷۸: ۱۹۰). تخصص و تقسیم کار در دوره جدید باعث همبستگی ارگانیکی و وابستگی افراد به یکدیگر می‌شود.

نظریه همانندسازی: یکی دیگر از نظریات مهم در زمینه روابط قومی که می‌توان روابط بین گروه‌های قومی ساکن در منطقه تالش را مورد بررسی قرار داد، نظریه همانند سازی است. «هدف الگوی همانندسازی، کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری در بین گروه‌های قومی است. بنابراین چنانچه گروه‌های قومی یک جامعه (منطقه تالش در این تحقیق) قواعد، ارزش‌ها و رسوم یکسانی را پذیرفته و درونی سازند، جامعه‌ای متجانس و همگن ایجاد خواهد شد که در آن صورت هدف منسجم سازی نیز تحقق یافته و اختلافات فرهنگی، ساختاری جامعه کاهش می‌یابد. چنانچه این الگو صحیح و مناسب اجرا شود، قومیت به عنوان مبنایی برای توزیع منابع، امکانات و قدرت در جامعه به کار برده نمی‌شود. آثار و نتایج الگوی همانندسازی، کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری در بین گروه‌های قومی است که در صورت اجرای کامل الگو، جامعه‌ای همگن و متجانس به وجود خواهد آمد و قومیت برای توزیع نابرابر ثروت و قدرت نقش مؤثری نخواهد داشت» (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۵۳).

کنش متقابل نمادی: این نظریه «به منظور تبیین قومیت، جنبش‌ها و رفتار جمعی گروه‌های قومی و تکوین ناسیونالیسم قومی به عنوان یکی از مظاهر تنوع فرهنگی و شکاف اجتماعی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته» (ادیبی، ۱۳۸۱: ۱۶)، که در بررسی روابط همزیستی گروه‌های قومی ساکن در منطقه تالش مورد استفاده قرار گرفته است. «مهمترین تاکید نظریه کنش متقابل نمادی در همزیستی گروه‌های قومی، جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن است» (فورسایت ۱۳۸۴: ۱۶۳). همزیستی گروهی بواسطه اجتماعی شدن به نسل بعد منتقل می‌شود.

نظریه تکثر گرایی^۱: «کثرت گرایی از جمله الگوهای ارتباط درن گروهی است که در آن گروههای قومی و نژادی در عین اینکه زبان، مذهب، آداب و رسوم خود را حفظ می کنند، جامعه پذیر شده، با گروههای دیگر کنار می آیند و یا الگویی اجتماعی که در آن اقلیت های قومی و نژادی، در عین حفظ تفاوت های خود از یکسانی اجتماعی برخوردارند» (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۴۹۴). «تکثر گرایی متفاوت از همانندسازی است. کسانی که با گروه خاصی همانندسازی می کنند، نسبت به اعضای آن گروه احساس شباهت نیز می کنند» (فورسایت، ۱۳۸۴: ۱۲۳). «از نقطه نظر این دیدگاه، گروههای قومی حق دارند زبان و فرهنگ خاص خود را حفظ کنند و از جامعه انتظار داشته باشند تفاوت های آنها را به رسمیت بشناسد. در این معنا، تکثرگرایی به معنی تلاش آگاهانه اعضای گروه های قومی برای حفظ اجزای اساسی فرهنگ قومی است» (شارع پور، ۱۳۸۳: تلخیص).

روش تحقیق

انجام تحقیق فوق ابتدا با تکیه بر روش تحقیق کیفی بوده و سعی شده با تکیه بر مطالعات اسنادی، مصاحبه عمیق، مشاهده مشارکتی و رهیافت تحلیلی در حوزه جامعه شناسی به بازاندیشی در مفهوم همزیستی اجتماعی پرداخته شده و برای تحلیل و توصیف اطلاعات و مقایسه آنها از روش اکتشافی استفاده گردد و در نهایت، دستاوردهای پژوهش با استفاده از روش کمی و از طریق پرسشنامه در معرض آزمایش تجربی قرار گیرد و برای توصیف و تحلیل اطلاعات و مقایسه آنها از جدول فراوانی، نمودار ستونی و معادلات رگرسیون چند متغیره استفاده شود. اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات اسنادی (فیش برداری) و مطالعات میدانی (مصاحبه و مشاهده) و در نهایت از پرسشنامه گردآوری شده است. در این پژوهش ابتدا از تجزیه و تحلیل کیفی استفاده شده که تجزیه و تحلیل تفسیری (تاویلی و تفهیمی) را در بر می گیرد. در این میان سعی بر آن بوده در هیچ موردی نظر محقق لحاظ نشده و انجام تحقیق بدون پیش داوری و سوگیری صورت گیرد. بر این اساس زمینه اجتماعی - تاریخی تاثیر گذار بر متن یا واقعه مطالعه و با هدایت تئوری تحلیل شده و سپس فرضیه ها مورد آزمون قرار گرفته اند. در بخش کمی پژوهش پس از تکمیل و جمع آوری پرسشنامه ها و کنترل پاسخها مرحله کدگذاری^۲ آغاز شده و سپس برای تحلیل آماری از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

حجم نمونه این پژوهش مجموعاً ۳۸۰ خانوار (اعم از زن و مرد و فرزندان) از قومیت های مختلف ساکن در شهرستان تالش را در برمی گیرد که به علت عدم وجود آمار دقیق از جمعیت به

1 pluralism

2 Coding

تفکیک قومیتها، ۳۸۰ تقسیم بر تعداد قومیتها(۵) می شود که برای هر گروه قومی ۷۶ عدد پرسشنامه تکمیل شده است. برای آنکه جمعیت نمونه این پژوهش که باید معرف جامعه آماری باشد و در واقع مشتق از خروار باشد، از نمونه گیری غیر احتمالی(هم در مصاحبه و هم در پرسشنامه) استفاده شده است. در این نمونه گیری که با نام نمونه گیری زنجیره ای(گلوله برفی) شناخته شده و مناسب تحقیقات اکتشافی بوده، نخست چند نفر که دارای مشخصات مورد نظرند از طریق پرس و جو پیدا نموده و بعد از مصاحبه با آنها تقاضا گردیده تا اگر افراد دیگری را می شناسند که دارای همان مشخصات(قومی مانند تات، ترک و...) باشند، معرفی کنند. بدین طریق هر پاسخگو منبعی برای اسامی پاسخگویان دیگر شده و رفته رفته بر تعداد پاسخگویان(۷۶ نفر از هر گروه قومی) افزوده شد تا اینکه تمامی پرسشنامه ها تکمیل گردیدند.

جامعه مورد مطالعه این تحقیق، منطقه ای قومی در شمال ایران به نام "تالش" می باشد. ساکنین اصلی این سرزمین، تالشها هستند و اقوام دیگر به این منطقه مهاجرت نموده اند. تالشها در کنار ۱. ترکها ۲. گیلکها ۳. تاتها ۴. کردها، و با مذاهب تشیع و تسنن، زندگی می کنند.

یافته ها

بر طبق مطالعات اسنادی و میدانی صورت گرفته، عوامل زیر در شکل گیری همزیستی گروههای قومی در تالش، موثرند:

۱. تجربه حوادث سیاسی مشترک در طول تاریخ
۲. روابط مبادله اجتماعی، خویشاوندی، اقتصادی، فرهنگی و...
۳. تقسیم کار بر اساس تخصص های افراد، جهت رفع نیازهای اقتصادی - اجتماعی
۴. تماس فرهنگی - اجتماعی و نقش سیاست دولت
۵. اجتماعی شدن افراد در جامعه متنوع قومی
۶. مشارکت گروههای قومی در ساخت جامعه در عین پابندی به آیین های خاص قومی

توضیحات هر کدام از این موارد با ذکر چند مصاحبه از نمونه های فراوان ارائه می گردد: تجربه حوادث سیاسی مشترک(بسیج سیاسی): با مروری بر پیشینه تاریخی روابط قومی در بین گروههای تالش، ترک، کرد، گیلک و تات در می یابیم که این افراد در دوران جنگ و ستیز با یکدیگر، خاطرات و تجربیات مشترکی داشته اند، بعدها در دوران قطع روابط نیز تجربیات دیگری کسب نموده و به مرور زمان و بعد از بهبود روابط، تجربیات دیگری به صورت مشترک در بین هرکدام

از گروه‌های قومی شکل گرفته که در تاریخ هر قوم به عنوان ویژگی بارز دوران گذشته، ثبت گردیده است. در این راستا مصاحبه شونده شماره (۱۸) بر این باور است که، «گروه‌های قومی ترک، گیلک، کرد، تالش و تات بعد از گذشت چندین سال و سپری نمودن دوره تاریخی مشترک و طی حوادث مختلفی از جمله جنگها، شورشها، تاخت و تازها، مبادلات اقتصادی و اجتماعی، تالش امروزی را تشکیل داده اند بخاطر این موضوع است که این اقوام امروزه در کنار هم به خوبی و خوشی زندگی می کنند». تجربه سیاسی مشترک و نه اصل یا نیای مشترک، عامل اصلی پیدایش وجدان گروهی است. سرزمین، منابع و منافع مشترک از مواردی است که باعث نزدیکی گروهها گردیده و روابط قومی را شکل می دهد. «این منافع مشترک شامل دفاع از خود جامعه، حقوق مربوط به چراگاه مشترک، مراکز داد و ستد و تریباتی است که برای ایجاد سهولت و همکاری در مواقع مراسم بزرگ ملی صورت می پذیرد. با وجود آنکه این منافع، همگی دارای همان اهمیت نسبی در مناطق مختلف نیستند، میتوان آنها را بصورت یک منبعی که سبب پیدایش سازمانها و نهادهای مشترک گردیده اند، مورد نظر قرار داد» (قربانی، ۱۳۸۳، ۹۷). بر اساس تجربه مصاحبه شونده شماره (۲۵ و ۶)، «گروه‌های انسانی در عین داشتن اختلافات داخلی و قومی، دارای پیشینه سیاسی مشترکی بواسطه برخوردهای دوستانه یا کشمکش ها بوده اند که قسمتی از تاریخ هر دو قوم را در بر گرفته و تجربه مشترک را شکل می دهد».

روابط مبادله اجتماعی، اقتصادی و...: از منظر نظریه مبادله پیتر بلاو، مجاورت گروه‌های قومی منطقه تالش در فضای چند بعدی، احتمال مشارکت و رابطه همزیستی بین افراد را افزایش داده است. « چندین مورد شراکت بین دامداران گیلک و تالش را مشاهده کردیم که در آنها تالشها گاوان گیلک ها را در مقابل دریافت انواع دستمزد به ییلاق های خود می بردند» (همان: ۴۳۰). به عقیده مصاحبه شونده شماره (۲۳)، « تولید کالاهای محلی در اقتصاد معیشتی تالشان، جوابگوی نیاز تولیدکنندگان بوده و با پیدایش مازاد تولید، نیاز به مبادله کالاها با یکدیگر وجود داشته و مبادلات مختلف شکل گرفته است. شکل گرفتن مبادلات در حقیقت راهی برای جبران و تامین نیازهای زندگی و تهیه کالاهایی بود که توسط تالشها تولید نمی شد». «تبادل محدود نیروی کار بین تالش و بقیه نقاط گیلان و جریان شدید کارگران آذربایجانی به سوی ایران خزری» (بازن، ۱۳۶۷: ۱۹۳) در حال افزایش است.

در این راستا مصاحبه شونده شماره (۷) معتقد است، «ترکها بسیاری از فعالیتهای تجاری منطقه را در دست داشتند. بسیاری از اموری که نیاز به مهارت خاصی داشت مانند دوخت انواع پالان، لحاف و تشک و تهیه چادر سیاه، توسط کردها صورت می گرفت». مصاحبه شونده شماره (۲۶) که از

نظر شرایط سنی بسیاری از روابط قومی را به چشم دیده، معتقد است، «در بازار روز محلی، کالاهای مختلف تولیدی یک قوم خاص، ارائه می‌شد. مثلاً بسته‌های چای، ماهی‌های خشک شده توسط گیلک‌ها، گوسفند توسط تالشها و ترکها، نمک، قند، پارچه، قالی و انواع محصولات صنایع شهری توسط ترکها، پوست جانوران، انواع محصولات لبنی و کشاورزی توسط تالش‌ها، زیور آلات و صدف (انگشتر، مروارید و...)، عطر، انواع گردن‌بند و انگشتر، پارچه‌های مختلف، عدس و... توسط کردها به بازار عرضه می‌شد». این روند امروزه هم ادامه داشته و باعث تبادل کالاها از یک سو و تبادل ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی از جمله زبان، آداب و سنن و ... به دیگر گروه‌های قومی شده است. بر اساس تجربه مصاحبه‌شونده شماره (۲۲)، «نقش نمایش‌ها، مسابقه‌ها و بازی‌های گروه‌های مختلف محلی (از جمله اسبدوانی)، آلات موسیقی و نمایش‌های نوازندگی آنان، شکل‌گیری روابط خویشاوندی، آداب و رسوم خاص و زمان و مکان تحویل کالاها، همه و همه حکایت از جنبه‌های غیر اقتصادی مبادلات و تبادلات اجتماعی و فرهنگی بین اقوام دارد». «برای جوانان بازار هفتگی مناسب‌ترین محل برای جست و جوی همسر آینده بشمار می‌رود و بسیار اتفاق می‌افتد که در آنجا ملاقاتی بین یک دختر و یک پسر که برای هم نامزد شده‌اند ترتیب دهند» (بازن، ۱۳۶۷: ۵۵۵). در این راستا مصاحبه‌شونده شماره (۲۰) معتقد است، «مهمترین عامل اجتماعی همزیستی قومی، بعد از مبادله اقتصادی و روابط داد و ستد کالاها و محصولات تولیدی، رابطه ازدواج و پیوند زناشویی بین اقوام مختلف ساکن در منطقه تالش است». علاقه یکسان اقوام به برقراری ارتباط با گروه‌های قومی دیگر، انتخاب همسر، عروس یا داماد از اقوام دیگر، روابط خویشاوندی و همسایگی، از مواردی است که در بحث همزیستی گروه‌های قومی جامعه تالش حائز اهمیت هستند. از مجموع مصاحبات به عمل آمده، مشخص شد که، تالشان با تمامی اقوام منطقه رابطه خویشاوندی داشته و از هیچ قوم و مذهبی فاصله نگرفته‌اند، و یا هیچ قومی را پست و تحقیر نکرده‌اند تا با آن قوم یا اقوام، رابطه خویشاوندی نداشته باشند.

وابستگی گروه‌های قومی به یکدیگر (تخصص و تقسیم کار): در همبستگی ارگانیکی، وحدت انسجام یافته اجتماعی نشان‌دهنده تمایز اجتماعی افراد با یکدیگر است. «اغلب مهاجرین در حرفه مخصوص متخصص هستند و چون هر شخص توسط قوم و خویشان و یا همسایگان خود به کار دعوت می‌شود ... کارگران نانوايي، نقاش ساختمان، کارگران قنادی، ... نجاران ... بناها... بافندگان و خیاطان ... کارگران فنی از قبیل جوشکار، آهنگر، سیم کش، چوب بست ساز و غیره ...» (بازن: ۵۳۲). «تنوع فعالیتها در مسیر استان‌های خزری از این هم بیشتر است مانند: آماده نمودن برنجزارها، چیدن مرکبات، صید، کارهای شهری، صنعتگری و درودگری» (بازن، ۱۳۶۷: ۵۰۳). لزوم

همزیستی اجتماعی در جامعه امروزی تالش (برخلاف گذشته) بر اساس شباهتها و همانندی‌ها نیست، بلکه بر اساس تفاوتها و تمایزهایی است که بر اساس تخصص مورد نیاز جامعه بوجود آمده است.

تماس فرهنگی - اجتماعی و نقش سیاست دولت (همسازی): همانند سازی، پیروی یک گروه قومی از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی گروه قومی دیگر در زمینه‌های زبان، رسوم، اقتصاد، سیاست و... است. مصاحبه شونده شماره (۱۴) معتقد است، «در جامعه تالش امکان همه‌جانبه همانند کردن اقوام وجود نداشته و شبیه‌سازی افکار و عقاید مردم بسیار زمانبر و مشکل است». هر چند ممکن است در برخی موارد مانند: دین، مذهب یا قوانین اجرایی و قضایی کشور همانندی‌هایی بین اقوام وجود داشته باشد، اما یکسان‌سازی عمومی، هرگز قابل اجرا نمی‌باشد. «وابستگی به واحدهای سیاسی و یا اداری خارج از محدوده عمومی و اداره آن توسط اعضای سایر اقوام از مراکز تصمیم‌گیری خارج از منطقه...» (بازن: ۶۴۳). در این راستا مصاحبه شونده شماره (۴) معتقد است، گروهها ممکن است فقط به ظاهر شبیه به هم شوند اما عملاً با یکدیگر همگرایی نداشته باشند. طبق نظر مصاحبه شونده شماره (۴)، «قانون اساسی یکی از نمونه‌هایی است که می‌تواند زمینه مشارکت را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه گروههای قومی و افراد اجتماع فراهم سازد که این امر، یکی از عوامل مسبب همزیستی گروههای مختلف قومی محسوب می‌شود».

اجتماعی شدن افراد در جامعه متکثر قومی: توافق و سازش گروههای قومی در سایه اجتماعی شدن (فراگیری و درونی کردن هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون) پدید می‌آید. یکی از عوامل مهم همزیستی در بین گروههای قومی ساکن در تالش و انتقال ویژگی‌های همزیستی به نسل بعد، جامعه‌پذیری و سپس اجتماعی شدن ۱ در جامعه متکثر قومی است ۲. جامعه کنونی تالش، در حال پذیرش اقوام مختلف بوده و نمونه‌ای از جامعه متکثر را به نمایش می‌گذارد. در این راستا مصاحبه شونده شماره (۵۱) معتقد است، «علیرغم وجود قومیت‌های گوناگون، عوامل وحدت‌آفرینی چون سرزمین مادری، زبان فاخر پارسی و دین مشترک همواره در ذهن و ضمیر ایرانیان جاری و نقش‌آفرین بوده و از تفرق اقوام ایرانی ممانعت نموده است. اما در مجموع "هویت ایرانی" بر همه منازعات و اختلافات غلبه یافته و آن‌ها را پایان

۲ اگرچه در فارسی مفاهیم جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن معادل یکدیگر به کار رفته‌اند لکن از نظر هربرت بلومر "اجتماعی شدن" به معنی ذوب شدن و یکی شدن و جا افتادن در جامعه کلان است و تنها بعد از جامعه‌پذیری است که فرایند اجتماعی شدن می‌تواند رخ دهد.

داده است». یعنی علیرغم وجود تفاوتها، برخی عوامل مشترک باعث نزدیکی و همگرایی آنان گردیده است. در این راستا مصاحبه شونده شماره (۲۸) معتقد است، «پذیرش تفاوت‌های قومی و مذهبی از مهمترین عوامل ایجاد همزیستی اقوام در جامعه تالش بوده است. همه اقوام و مذاهب در عین داشتن عقاید و باورهای خاص قومی، بر طبق ارزشهای مشترک جامعه عمل کرده و به آن احترام می‌گذارند. کردها، ترکها، اهل تسنن و تشیع دارای مسجد و حوزه علمیه مختص به خود هستند». مصاحبه شونده شماره (۸) معتقد است، «قوانین کشور (قضایی، اداری و اجرایی) برای همه اقوام و گروهها یکسان بوده و به افراد (از هر گروه قومی) به "عنوان شهروند" نگرسته می‌شود». همه گروهها (مذهبی و قومی)، ضمن قبول تفاوتها و ویژگی‌های خاص گروهی، معتقد به همگرایی، همبستگی و همزیستی در کنار یکدیگر، جهت رسیدن به اهداف اجتماعی بوده و جامعه چند قومی بر پایه احترام متقابل شکل گرفته است. کودک انسان در دوره‌های بعدی، شیوه‌های زندگی کردن در جامعه را با توجه به ویژگی‌های جامعه متکثر قومی می‌آموزد. به عقیده مصاحبه شونده شماره (۱۳)، «هر گروه ناگزیر از زندگی در کنار دیگر گروههای قومی است، زیرا این زندگی نتیجه روابط و کنشهای رو در رو (متقابل) است، مردم منطقه تالش ناگزیرند با یکدیگر مناسباتهای اجتماعی متقابلی داشته باشند، هیچ گروهی از آنها پس از خوگرفتن به ارتباط متقابل قادر نیست به تنهایی زندگی کند با وجودی که بعضی وقتها بین افراد دل خوری‌هایی به وجود می‌آید، باز علاقه مند به برقراری روابط صمیمانه با یکدیگرند». علاوه بر آن محتوای جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن بر حسب جنسیت و وضعیت قومی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و جغرافیایی متفاوت است. به عقیده مصاحبه شونده شماره (۲۰)، «مراسمی چون، برگزاری ضیافت‌ها و مهمانی‌های مشترک قومی، جشن‌های مختلف، مناسک ورود به سن تکلیف و عضویت در سازمانهای اداری و اجتماعی مشترک»، ماهیت نقش‌های اجتماعی در کنار گروههای قومی دیگر را ساخته و افراد را برای زندگی در این جامعه چند قومی آماده می‌سازد.

از نکات مهم دیگر، اشتراک در محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها است. مثلاً مصاحبه شونده شماره (۲۳) معتقد است، «چند شوهری، همجنس‌گرایی، ازدواج با محارم، نقض قوانین جامعه، وابستگی به بیگانگان، کجروی و عدم پیروی از هنجارهای اجتماعی در سطح قومی (تالش) و حتی ملی (ایران)، از جمله مواردی است که از جانب همه گروههای قومی ممنوع و ناشایست تلقی گردیده و ملاک سنجش رفتارها، فرهنگ ایرانی - اسلامی است». کسانی که خلاف این موارد عمل می‌کنند، علاوه بر پیگیری قضایی، از نظر همه اقوام برچسب "کجرو" خورده و از اجتماع طرد می‌شود. البته بر اساس تجربه مصاحبه‌شوندگان شماره (۲۱ و ۲۴)، «میزان بالای کجروی‌های اجتماعی، ارتباطی به

فرهنگ و اجتماعی شدن یک قوم خاص ندارد و بیشتر به آن موقعیتی مربوط است که این مردم در محیط جامعه با آن روبرو هستند» و توسل به فرهنگ قومی یک گروه خاص برای تبیین رفتارهای ناپسند، تنها سرپوش گذاشتن بر نگاه علمی به این قضیه است. هرچند شاید برای گروهی که به دنبال تفرقه و ناامنی هستند، تبیین مسایل گروههای مختلف را با توجه به فرهنگهای انحراف آمیز قومی، بهتر از تبیین علمی این مسایل به عنوان نتیجه محرومیت های اجتماعی باشد، اما در حقیقت نقش یکسانی را در برخورد با این مسائل باید در نظر گرفت. ممکن است برخی از افراد نقش چندانی را برای افراد انسانی در همزیستی قومی قائل نباشند، اما در حقیقت جامعه تالش از تک تک افراد تشکیل شده و هر چند جامعه به عنوان ساخت(کل)، تعیین کننده است، اما در نهایت انسانها هستند که تصمیم گرفته و مسیر خود را انتخاب می کنند. در این راستا مصاحبه شونده شماره(۲۸) معتقد است، «قائل شدن ویژگی "اختیار" برای افراد انسانی از مواردی است که در بحث همزیستی باید به آن توجه شود. بنابراین انسانهایی که در جامعه تالش با گروههای مختلف قومی در ارتباط هستند، سعی در شکل بخشیدن و تعدیل فرهنگها و شرایط جامعه جهت فراهم کردن شرایط مناسب و مساعد همزیستی به شیوه های گوناگون هستند». بنابراین در رابطه بین جامعه تالش و فرد، تصمیم گیرنده نهایی فرد "یا گروههای اجتماعی" هستند و جامعه تاثیرگذار است. به عقیده مصاحبه شوندگان شماره(۲۰، ۱۶، ۱۵، ۲۳)، «عوامل، جامعه پذیر کننده (یعنی افراد، گروه ها و سازمان هایی که جامعه پذیری توسط آن ها و در درون آن ها اتفاق می افتد) در جامعه چند قومی تالش عبارتند از: خانواده و شبکه خویشاوندان، گروه دوستان و همسالان، نهادهای آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، شغل و محیط های کاری، نهادها و کانون های مذهبی، طبقات اجتماعی، گروههای های مرجع (مانند گروههای مذهبی و قومی)». مثلا طبق نظر مصاحبه شونده شماره(۹)، «آموزش زبان فارسی، پایبندی به اصول اسلام، قانون و مقررات جمهوری اسلامی ایران و ارزش وطن(ایران) به مثابه سرزمین مادری(و نه یک قوم یا سرزمین خاص)» از نمونه هایی هستند که برای تمامی گروههای قومی مشترک بوده و همزیستی در بین گروههای قومی را افزایش می دهد. مصاحبه شونده شماره(۳) معتقد است، «کودکان ساکن در تالش، هم بازی هایی از گروههای قومی مختلف دارند. به هنگام بازی بسیاری از کردارها، ارزش ها و باورها بین دو طرف رد و بدل می شود. مخصوصا در بازی های دسته جمعی شرایط انتقال و توجه به ارزشهای مشترک بیشتر فراهم می گردد و پذیرش و نمایش ارزشهای گروه همسالان در پذیرش ارزشهای اجتماعی از سوی فرد، نقشی تعیین کننده ای ایفا می کند». عضویت در گروه همسالان(از هر قوم و مذهبی)، کودکان ساکن در تالش را برای نخستین بار در زمینه ای قرار می دهد که بیشترین قسمت جامعه پذیری بدون هیچ گونه طرح سنجیده ای در آن اتفاق می افتد. مثلا

بر اساس تجربه مصاحبه شونده شماره (۱۰ و ۲۵)، «جمع شدن گروه‌های همسال در بازی‌هایی چون فوتبال زمینه نزدیکی آنها را فراهم می‌سازد». بدیهی است که تجربه تاریخی در سطح ملی و جذب اکثر مهاجرت‌های داخلی از سوی منطقه تالش حکایت از به رسمیت شناخته شدن تکثر فرهنگی و قومی و عدم پروای مهاجران از، نبود شدن هویت قومی خود پس از مهاجرت به منطقه تالش دارد. در تجزیه و تحلیل کمی، شاخص‌های تحلیل رگرسیون چندگانه با روش ورود همزمان (Enter) در جدول زیر آورده شده است.

سطح معنی داری (sig)	t	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای پیش بین	
		ضریب استاندارد شده بتا (Beta)	خطای استاندارد B		
۰/۰۰۰	۱۳/۹۰۵	---	۰/۱۷۵	۲/۴۳۹	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۳۵/۲۷۰	۰/۲۲۸	۰/۰۲۹	۱/۰۳۳	زمینه‌ها و تجربیات مشترک تاریخی
۰/۰۰۰	۵۹/۷۲۷	۰/۴۲۹	۰/۰۲۱	۱/۲۶۴	روابط مبادله اقتصادی، خویشاوندی و فرهنگی
۰/۰۰۰	۵۵/۸۴۹	۰/۳۱۲	۰/۰۱۹	۱/۰۸۳	تقسیم کار و نیاز به تخصص‌های مشترک فرهنگی و قومی
۰/۰۰۰	۱۸/۳۵۵	۰/۱۰۲	۰/۰۲۹	۰/۵۲۸	همسازی و پیروی کامل اقوام از ویژگی‌های گروه قومی دیگر
۰/۰۰۰	۱۳/۲۱۰	۰/۱۲۱	۰/۰۶۷	۰/۸۸۲	برخورد مردم سالارانه دولت با اقوام مختلف، رضایت مردم از نظارت سیاسی و مشارکت در امور سیاسی کشور
۰/۰۰۰	۹/۵۸۹	۰/۰۸۲	۰/۰۲۴	۰/۲۲۹	اجتماعی شدن افراد در جامعه متکثر قومی

نتایج تحلیل آزمون رگرسیون چندگانه نشان می دهد که ضریب بتای استاندارد شده برای ارزیابی سهم هر متغیر در مدل، اندازه ای را به دست می دهد. مقادیر t و p به اثر هر کدام از متغیرهای پیش بین اشاره می کنند. مقدار بزرگ t و $Beta$ و مقدار کوچک p ($P < 0/05$) نشان می دهد که بین متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک ارتباط معناداری وجود دارد. بر این اساس و با توجه به جدول بالا، متغیرهای پیش بین (مستقل) یعنی زمینه ها و عوامل اجتماعی، پیش بینی کننده معناداری برای متغیر ملاک (وابسته) همزیستی گروههای قومی هستند ($P < 0/05$)؛ که در این میان، متغیر پیش بین (مستقل) « روابط مبادله اقتصادی، خویشاوندی و فرهنگی » با مقدار $Beta$ و t مطلق بزرگتر ($t=59/727$ و $Beta=0/429$) و p کوچکتر ($p=0/000$)، بیشترین تأثیر را بر متغیر ملاک (وابسته) همزیستی گروههای قومی دارد.

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس یافته های پژوهش، جامعه چند قومی تالش، محل زندگی اقوام مختلفی از جمله: تالش، کرد، ترک، گیلک و تات با مذاهب شیعه و سنی بوده، و تنوع و تکثر دینی، مذهبی و قومی و وجود خرده فرهنگ های متفاوت منطقه ای از ویژگی های این جامعه به شمار می رود. این اقوام در دوره های تاریخی مختلف به دلایل اقتصادی، سیاسی یا مساعد بودن شرایط آب و هوا، وارد این منطقه شده و در آن ساکن شده اند. در این پژوهش، زمینه های همزیستی گروههای قومی در منطقه تالش، از جمله پیشینه روابط و تجربه مشترک سیاسی، نقش مبادله در اقتصاد، همیاری و خویشاوندی، انواع آداب و رسوم، دین و مذهب، راهها و ارتباطات، جامعه پذیری و اجتماعی کردن، قانون اساسی و نقش دولت در همزیستی به تفصیل و بر پایه اسناد و مدارک تاریخی و پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته و سپس اطلاعات و اسناد به دست آمده مورد تحلیل قرار گرفته است، و سرانجام تمامی رابطه ها و ریشه های احتمالی و اصلی کشف و نظریه های متناسب با داده های پژوهش فراخوانی شده و مدل مناسبی جهت همزیستی گروههای قومی ارائه شده است.

داد و ستد و مبادله های بین قومی، به صورتی غیر مستقیم به همگرایی و پیوستگی و در نهایت به همزیستی گروهی انجامیده است. از گذشته های دور، تالشها با اقوام کرد، تات، ترک و گیلک روابط اقتصادی دارند. ازدواج میان گروههای قومی با مذاهب، زبان و عقاید مختلف، یکی از عوامل تاثیرگذار بر همزیستی در تالش بوده که تعامل و همگرایی بین آنان را افزایش داده و دامنه تحمل طرف مقابل در زمان کدورت، تعارض و در نهایت تطبیق با شرایط را، بالا برده است. علاقه یکسان به برقراری ارتباط خویشاوندی و ازدواج با گروههای قومی دیگر و انتخاب همسر، عروس یا

داماد از این نوع است. قانون نیز در همزیستی، نقش پر رنگی دارد. با نگاهی اجمالی به مقدمه و اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه اصل سوم می توان دریافت که بین افراد جامعه هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد و همه به عنوان شهروندان ایرانی در مقابل قانون یکسان اند. از عوامل دیگر همزیستی گروهها، گرد هم آیی و رودررویی مردم با یکدیگر و انجام مراسم و تشریفات و بجای آوردن آیین ها و رعایت قوانین و سنتهای قومی و بهره گیری از شعائر و مناسک بهنگام حضور در این نوع مجالس است که پیوند فرهنگی اقوام را محکمتر ساخته است. شرکت هر کدام از اقوام در مراحل مختلف مراسم سنتی دیگر گروههای قومی، آنها را به یکدیگر نزدیکتر نموده و با شیوه های مختلف زندگی آشنا می سازد. نمونه همزیستی گروهی اقوام ساکن(تالش، ترک، تات، گیلک، کرد و غیره) را می توان در روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی(انتخاباتهای محلی و ملی، همراهی با نظام و...)، فرهنگی(همراهی در مراسم فرهنگی)، اعتقادی و مذهبی مشاهده نمود. کمک به اقوام دیگر، داد و ستد، شرکت در امور سیاسی، احترام به گروههای قومی دیگر و شرکت در مراسم مختلف یکدیگر از نمونه های این همزیستی می باشد.

بر طبق مدل نظری این پژوهش، افراد ساکن در تالش در ابتدای ورود به این منطقه و مجاورت با اقوام دیگر، روابط مختلفی از جمله کشمکش، درگیری های خونین، نزاع های مختلف بر سر مراتع و آبشخورها، جنگهای سیاسی با طرفداری هر یک از اقوام از سیاست خاص(سیاست دولت مرکزی یا سیستم قومی)، مبادلات مختلف اقتصادی کالاهای تولیدی، ازدواج و همسرگزینی و توسعه روابط خویشاوندی به خارج از قوم خود، انجام مراسم و آیین های مشترک مذهبی و ملی داشته و به مرور زمان به همزیستی مسالمت آمیز رسیده اند. هر چند نوع برخورد هر قوم از اقوام مجاور بر اساس سیاستهای دولت مرکزی بوده است، اما به مرور زمان بر اثر افزایش مبادلات و مراودات اقتصادی و اجتماعی گسترده بین گروههای قومی، همبستگی ارگانیکی بواسطه نیاز به تخصص های گوناگون بین آنان ایجاد گردیده و به مرور زمان به پهنه همگرایی ها و روابط مسالمت آمیز افزوده شده است. برای انتقال ویژگی های همزیستی ایجاد شده در جامعه چندقومی و تداوم این ویژگی ها در جامعه فوق، لازم است، جامعه پذیری و اجتماعی شدن نسل جدید بر اساس ویژگی های جامعه صورت پذیرفته و در نهایت زندگی عادی در یک جامعه چند قومی بر اساس نظریه تکثرگرایی شکل می گیرد.

با وجود پیشرفت هایی که در زمینه همزیستی گروهی بین اقوام مختلف ساکن در تالش حاصل شده، اما، جهت رسیدن به حد مطلوب و ایده ال تلاش مضاعفی لازم است. اجرای این موارد، همکاری سیستم دولتی و گروههای قومی(مردم) را می طلبد. لذا با بهره گیری از نتایج حاصله از

تجزیه و تحلیل روابط گروه‌های قومی ساکن در تالش و هویت قومی آنان، برخی از راهکارهای بهره‌گیری از پتانسیل این گروه‌ها برای تقویت همزیستی گروهی و همگرایی اجتماعی، به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- تکثرگرایی اجتماعی و فرهنگی یکی از راهکارهای افزایش همزیستی قومی و تأمین‌کننده منافع گروه‌های قومی در سطح ملی می‌باشد.
- ۲- پرهیز از تمرکزگرایی و استفاده از نیروهای انسانی گروه‌های قومی در مناصب دولتی و لازم است سیستم مرکزی و دولت، در از بین بردن عوامل بروز تنشج بین گروه‌های قومی، تلاش نمایند (صدا و سیما، نیروهای اداری و...).
- ۳- در مناطق مرزی حد و حدود مشترک دو قوم که قبرستانها، مساجد، بقاع متبرکه و دیگر امکانات مشترک وجود داشته باشد، نقطه مشترک مرزی برای فعالیت آزادانه اقوام مختلف در نظر گرفته شود و کلاسهای آموزشی همزیستی با مربیانی از هر دو قوم برگزار گردد تا آگاهی عمومی گروه‌ها بالا رود
- ۴- تلاش در از بین بردن نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و فراهم نمودن امکان‌های فعالیتهای عمومی از جمله آموزش و پرورش، امکانات آموزشی، حمل و نقل، مسیرهای رفت و آمد برای محیط‌های روستایی و... در مناطق محروم و تقسیم عادلانه بودجه و امکانات
- ۵- فراهم نمودن وسایل ارتباط جمعی جامعه‌پذیری بر اساس نیازهای روزمره گروه‌ها.
- ۶- توجه به عوامل مشترک همگرایی مانند: سرزمین ایران، دین اسلام، توسعه انسانی، سلامت اجتماعی و...
- ۷- جلوگیری از تقابل گروه‌های مذهبی و پر رنگ نمودن مشترکات دینی، فرهنگی و اجتماعی نهادهای مدنی.
- ۸- تقویت خودباوری‌های فرهنگی و ایجاد اعتماد به نفس از طریق رسانه‌های جمعی به خصوص رادیو و تلویزیون (لازم به ذکر است، بر اساس مصاحبه‌های انجام گرفته، رادیو و تلویزیون آنچه در ده سال گذشته با عنوان رسانه ملی در این رابطه انجام داده‌اند بسیار اندک و جزئی بوده است).

منابع

- احمدی، حمید(۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی
- احمدی، حمید(۱۳۸۳). قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی
- ادیبی، مهدی(۱۳۸۱)، مقدمه ای بر جامعه شناسی گروه‌های کوچک، جهاد دانشگاهی اصفهان
- آزاد ارمکی، تقی(۱۳۸۱)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سروش، ۱۳۸۱، چاپ دوم
- بازن، مارسل(۱۳۶۷)، تالش (منطقه ای قومی در شمال ایران)، ترجمه، دکتر مظفر امین فرشچیان، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
- برومبوزه، کریستیان(۱۳۷۰) ، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلانی، تهران : وزارت فرهنگ و آموزش عالی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، با همکاری استانداری گیلان
- بیرو، آلن(۱۳۶۷)، فرهنگ علوم اجتماعی، ساروحانی، تهران، کیهان، دوم
- خطیبی، محمد(۱۳۸۴)؛ بررسی تطبیقی جامعه اسلامی و جامعه مدنی، قم، زمزم هدایت، چاپ اول
- ریترز، جورج(۱۳۷۹)؛ نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۷۹، چاپ چهارم
- سپا، یوژنی(۱۳۸۵)؛ تکثرگرایی فرهنگی بر خط آنلاین، فصلنامه رسانه، شماره ۶۷
- شارع پور، محمود(۱۳۸۳)، نظریه های جامعه شناختی روابط گروه های قومی، مجموعه مقالات، وزارت کشور
- صالحی امیری(1385)، سیدرضا. مدیریت منازعات قومی در ایران: نقد و بررسی الگوهای موجود و ارایه الگوی مطلوب، تهران:مرکز تحقیقات استراتژیک
- صالحی امیری(۱۳۸۸)، سید رضا، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، مرکز تحقیقات استراتژیک
- صمدزاده کلستان(۱۳۹۴)، حسن، سیری در تاریخ سیاسی کردهای خلخال، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- عالمی نیسی، مسعود(۱۳۸۳) ، مطالعه میزان برجستگی هویت های فرهنگی و جمعی و پیش بینی آینده آن، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، تهران :دانشگاه شهید بهشتی.، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

- علی (۱۳۶۹)، مطالبی در زمینه تاریخ، فرهنگ و جامعه تاتها و تالشان، تهران، ققنوس
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۸)؛ آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران، نی، چاپ سوم
- فورسایت، دانلسون آر (۱۳۸۴)، پویایی گروه، ترجمه مهرداد فیروزبخت و دکتر منصور قنادان، موسسه خدمات فرهنگی رسا
- قربانی ریک، رضا (۱۳۸۳)، تغییرات فرهنگی (از کوچ تا اسکان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۷)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ثلاثی، تهران، علمی، بی تا، چاپ پنجم
- کریمی، علی (۱۳۹۰)، درآمدی بر جامعه‌شناسی تنوع قومی - مسائل و نظریه، انتشارات سمت

- Harris, Marvin, 1968, the rise of anthropological theory. New York : Thomas. Y. Crowell
- Moreau, Karinen (2003). "Influences des Rapports Sociaux de Domination Sur la Construction de l'identité Ethnique: l'exemple des Descendants d'Algériens de France"
- Pluss, Carolin (2005). "Constructing Globalized Ethnicity, Migrants From India in Hong Kong", International Sociology, June, Vol 20(2). Pp 201-224.
- Yarshater, E (۲۰۱۲). The Cambridge History of Iran: Seleucid Parthian. Volume 3 (1). Cambridge University Press

